

در اینجا اشکالی متوجه مرحوم عراقی می شود که خود ایشان آن را مطرح می کنند :

«فإن قلت هذا النحود من الوضع يستلزم تصور الموضوع له و هي المرتبة الخاصة من الوجود السعي الساری فی جميع الوجودات الجزئية و تصور الموضوع له المزبور يستلزم تصور تلك الوجودات الجزئية التي لا نهاية لها و هو محال»^۱

توضیح :

- (۱) برای وضع کردن، محتاج آن هستیم که وجود سعی را تصور کنیم.
 - (۲) این که کلی طبیعی یعنی وجود سعی را بخواهیم تصور کنیم، محتاج آن است که همه افراد را تصور کنیم.
 - (۳) تصور همه افراد ممکن نیست.
- خود ایشان سپس جواب می دهند:

«قلت لا اختصاص لهذا الاشكال بهذا المقام بل هو يتوجّه على كل مسألة ينشأ الحكم فيها على ما لا نهاية له كالقضية الحقيقية التي يتناول الحكم فيها جميع الافراد الطبيعة المحققة و المقدرة فكما يكون العنوان مرآة لملاحظة ما ينطبق عليه من الافراد اجمالاً كذلك يكون العنوان العام في المقام مرآة لملاحظة تلك المرتبة من الوجود السعي و ما يسرى فيه من الأفراد و هذا نحو آخر من الوضع العام و الموضوع له العام و سيجي ان شاء الله أن وضع الحروف من هذا القبيل من الوضع»^۲

توضیح :

این اشکال در همه قضایای حقیقه می آید. [قضیه حقیقه، قضیه ای است که موضوع آن تمام افراد مقدرة الوجود را شامل می شود و طبیعی است که همه افراد قابل ملاحظه نیست. مثال «کل انسان ضاحک»]

حل مشکل به این است که «عنوان عام» می توان مرآت و آینه ای باشد تا در آن همه مصادیق را به نحو اجمالی ملاحظه کنیم.

ما می گوئیم:

اول قرار بود با دیدن افراد، به وجود سعی پی ببریم، حال آنکه در عبارت فوق گفته شده است از وجود سعی به افراد پی ببریم. البته ممکن است برای تصحیح فرمایش مرحوم عراقی بگوئیم ظاهراً مراد ایشان آن است که برای آنکه بخواهیم وجود سعی را ملاحظه کنیم، لازم نیست همه افراد را تک به تک ملاحظه کنیم. بلکه می توان با دیدن یک فرد، حصه ای از کلی که در آن می باشد را ملاحظه کرد و بعد با دیدن حصه به وجود سعی پی برد و با ملاحظه وجود سعی، همه افراد را به صورت اجمالی لحاظ نمود.

مرحوم امام بر مطلب مرحوم عراقی اشکال می کنند:

«و فيه ما لا يخفى على أهله فإنّ الجامع الخارجيّ بنعت الوحدة يساوق الوجود الواحد بالوحدة

۱. بدایع الافکار؛ شیخ هاشم آملی^(ره)؛ ج ۱ ص ۳۷

۲. بدایع الافکار؛ شیخ هاشم آملی^(ره)؛ ج ۱ ص ۳۷



العددية ضرورة مساوقة الوحدة للوجود، وفساده أوضح من أن يخفى^١

در توضیح عبارت ایشان لازم است توجه کنیم که طبق عقیده فلاسفه اسلامی، آنچه در عالم خارج است، «جزئی» است و تشخص دارد و هم چنین دارای وحدت عددی است (در مقابل وحدت سنخیه همانند وحدت انسان که در زید و عمرو موجود است) و آنچه کلی است و جامع بین افراد متعددی است نمی تواند دارای وحدت عددی باشد بلکه وحدت سنخیه دارد. و لذا «جامع خارجی» قابل تصویر نیست چراکه «جامع» یعنی کلی، اما «خارجی» یعنی «جزئی».

و این سخن مرحوم امام در جواب به آن قسمت از فرمایش مرحوم عراقی است که «کلی طبیعی» را «وجود سعی» می دانست که همه افراد سریان دارد و واحد به وحدت عددی است.

حضرت امام سپس ادامه می دهند:

«و هو رحمه الله و إن فرَّ من ذلك قائلًا: إنَّ الحِصصَ متكَثِّرةُ الوجود لثلا يلزم الوحدة العددية، لكن كَرَّ عليه بالالتزام بالجامع الموجود بالوجود السعي الذي توهم كونه منشأ انتزاع المفهوم الواحد، و كونه مؤثراً عند اجتماع العلتين على معلوم واحد، و إن سمَّاه واحداً ذاتياً و سنخياً، و هذا رأى الرجل الهمداني، و لعلَّ منشأ توهمه - أيضاً - ما توهم من قيام البرهان عليه.»^٢

توضیح :

مرحوم عراقی اگرچه تلاش کرده که وحدت عددی را به تک تک افراد (که مجموعه ای از حصه و خصوصیات فردیه هستند) منسوب کند [یعنی بگوید زید واحد عددی است و طبعاً حصه انسان که در زید است واحد عددی است]، ولی به وجود خارجی جامع به نحو وجود سعی ملتزم شده است.

ایشان وجود سعی را واحد به وحدت سنخیه دانسته است ولی اگر چیزی در خارج موجود است، طبعاً واحد به وحدت شخصیّه عددیه است.

اگر عراقی بخواهد از طرفی کلی طبیعی را خارجی بداند و از طرفی آن را در افراد و مصادیق دارای سریان بداند [و آن را جامع افراد برشمرد] لاجرم باید به قول رجل همدانی قائل شود.

امام سپس اشکال دیگری را بر مرحوم عراقی وارد می کنند.

«و أمّا قضية عدم انتزاع مفهوم واحد إلا من منشأ واحد فهو كذلك، لكن ليس معناه أنه يكون في الخارج أمراً واحداً جامع موجود بنعت الوحدة ينتزع منه المفهوم، بل المراد منه أن الماهية الالابشرط الموجودة في الخارج بنعت الكثرة المحضة، للعقل أن يُجرّد [أفرادها] عن اللواحق و المشخصات، فعند ذلك ينال من

١. مناهج الوصول؛ امام خمینی (ره)؛ ج ١ ص ٦١

٢. مناهج الوصول؛ امام خمینی (ره)؛ ج ١ ص ٦١



کلّ فرد ما ینال من الآخر.^۱

توضیح : مرحوم عراقی می فرمود اگر کلی طبیعی واحد نباشد، لازم می آید که مفهوم واحد (کلی) از متکثرات (افراد خارجی) انتزاع شود و این خلاف قاعده الواحد است.

در حالیکه : نحوه انتزاع مفهوم واحد از مصادیق متکثره به این صورت است که عقل انسان، یک فرد را لحاظ می کند و مشخصات آن فرد را می زداید و به ماهیت لا بشرطی می رسد و همین کار را در مورد فرد دیگری انجام می دهد و بعد در میابد که ماهیت لا بشرط انتزاع شده از فرد اول با ماهیت لا بشرط انتزاع شده از فرد دوم، یکسان است.

پس انتزاع مفهوم واحد از دو فرد با حفظ مشخصات فردیه ممکن نیست. ولی در صورت تجرد از مشخصات فردیه، این امر ممکن است.



۱. مناهج الوصول؛ امام خمینی (ره)؛ ج ۱ ص ۶۱